

## شکل‌گیری محور عربی - عبری؛ پیامد محتمل ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

فرشید فرهادی؛ پژوهشگر مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام



### مقدمه

در چهار سال گذشته، رژیم صهیونیستی یکی از مشوقان و همراهان جدی سیاست فشار حداکثری ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. دلیل این ترغیب این است که صهیونیست‌ها نفوذ فوق‌العاده زیادی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی امریکایی‌ها در غرب آسیا دارند. نقش گسترده و تأثیرگذار لابی صهیونیستی آیک‌ا در محافل تصمیم‌گیری امریکا بر کسی پوشیده نیست. از نظر صهیونیست‌ها، توافق هسته‌ای (برجام) در راستای اعمال محدودیت بر ایران در زمینه‌های هسته‌ای و منطقه‌ای، عاجز و ناتوان است.

صهیونیست‌ها بر این باور بودند که با خروج امریکا از برجام و اعمال سیاست‌های فشار حداکثری، ایران دوباره پای میز مذاکره برای پذیرش محدودیت‌های بیشتر خواهد نشست؛ اما روند تحولات در چهار سال گذشته کاملاً مغایر با تصورات و خواسته‌های صهیونیست‌ها بوده است. ایران در طول چهار سال گذشته، با وجود تمام محدودیت‌های طاقت‌فرسا، با مدیریت نوسانات سیاسی و اقتصادی، در برابر زیاده‌خواهی محور صهیونیستی - امریکایی تسلیم نشد. از سوی دیگر، پیروزی ایران بر جریان تروریسم تکفیری و ابقای اسد در سوریه، کردیدور ارتباطی محور مقاومت را در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی بیش از گذشته مستحکم ساخت. صهیونیست‌ها بر این باور بودند که با درگیری ایران در جنگ فرسایشی بلندمدت، توان این کشور در منطقه تحلیل خواهد رفت؛ اما روند وقایع و پیروزی ایران خلاف این فرضیه را اثبات کرد. به‌طور کلی، صهیونیست‌ها به این باور رسیده‌اند که نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا به حدی مستحکم و ریشه‌دار است که توافقات حقوقی، توانایی و



کارایی لازم برای کنترل الگوی رفتاری این کشور در منطقه را ندارند. تجربه برجام، استقامت ایران در مقابل زیاده‌خواهی‌های امریکا، کاهش تعهدات منطقه‌ای امریکا، و از همه مهم‌تر، شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، این عقیده را بیش از پیش در میان صهیونیست‌ها بارور کرده است. وقایع و تحولات رخ داده در طول چهار سال گذشته، رژیم صهیونیستی را به این نتیجه رسانده است که کارآمدترین راه برای کنترل الگوی رفتاری ایران در منطقه، تلاش برای تقابل مستقیم و غیرمستقیم با این کشور در بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای در غرب آسیاست. حال با توجه به آنچه گفته شد، این پرسش مطرح می‌شود که شکل‌گیری محور عربی-عبری چه پیامدی برای جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا دارد.

## رژیم صهیونیستی و معمای امنیت در غرب آسیا

مسئله تأمین امنیت برای رژیم صهیونیستی با توجه به شرایط محیطی پیچیده و آشوبناکی که روزه‌به‌روز حلقه محاصره را بر این رژیم تنگ‌تر می‌کند، در تاروپود جامعه رژیم صهیونیستی تنیده شده است و هر فرد و جریانی که سکان هدایت این رژیم را در اختیار می‌گیرد، لاجرم موظف به اجرایی کردن این اصل است. این روند سبب شده است تأمین امنیت و رفع تهدیدات، دغدغه اصلی دولتمردان صهیونیستی از ابتدا تاکنون باشد.

در تمام سال‌های پس از تأسیس رژیم صهیونیستی، به دلیل حاکمیت الگوی رفتاری تعارضی مابین این رژیم و اکثر دولت‌های اسلامی منطقه، این کشور محاط در تهدید بوده است. رژیم صهیونیستی از معدود کشورهایی است که بیشترین و طولانی‌ترین تعارض‌ها و تخاصم‌ها را در طول حیات خود با دیگر کشورها داشته است. گاه‌شمار تعارض این کشور با کشورهای پیرامون خود در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ گواهی بر این مدعا است.

در همه این سال‌ها، رژیم صهیونیستی چاره و گزینه‌ای جز خودیاری و اتخاذ رویکردی تهاجمی در سطح غرب آسیا برای تأمین امنیت و بقای وجودی خود نداشته است؛ چراکه این کشور در میان کشورهای منطقه در تمام سال‌های پس از تأسیس خود، هیچ‌گونه متحد استراتژیکی نداشته است. درست به همین دلیل است که همواره، نظامیان در سیاست داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. به عبارت دقیق‌تر، شرایط تأسیس این رژیم سبب شده بود این کشور به غده‌ای منفور در میان کشورهای اسلامی تبدیل شود. دغدغه ناشی از وجود جعلی رژیم صهیونیستی سبب هم‌گرایی کشورهای اسلامی در قالب سازمان همکاری اسلامی ۱ در سال ۱۹۶۹ شد. شرایط یادشده از این موضوع حکایت می‌کنند که در تمام این سال‌ها رژیم صهیونیستی همچون جزیره‌ای کوچک در میان اقیانوسی قرار داشته است که از هر طرف، موج سهمگین خشم و انزجار کشورهای اسلامی که ناشی از جنایات این رژیم در حق مردم فلسطین بود، بقای وجودی آن را تهدید می‌کرد.

شکست‌های پی‌درپی اعراب از رژیم صهیونیستی سبب سرخوردگی و یأس آن‌ها شد. همین شکست‌ها در سبب شد اعراب از موضوع آرمان



فلسطین دست‌کشیده و صرفاً به سیاست‌های اعلامی بسنده کنند. از آن زمان تا به امروز، روابط میان اعراب و رژیم صهیونیستی بر پایه الگوی روابط سرد قرار دارد؛ اما سربرآوردن انقلاب اسلامی ایران در شرق سرزمین‌های اسلامی، دوباره، آرمان فلسطین را احیا کرد.

جمهوری اسلامی ایران، برخلاف کشورهای عربی، هم‌اوردی قدرتمند برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و در طول چهل سال گذشته، این قدرت دغدغه‌ای بزرگ در ذهن صهیونیست‌هاست. به عبارت دقیق‌تر، توان دفاعی و رزمی جمهوری اسلامی ایران، برخلاف کشورهای عربی، برای رژیم صهیونیستی تهدیدی بزرگ قلمداد می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر شبکه‌سازی از گروه‌های اسلامی، مبدع طرح محور مقاومت در ژئوپلیتیک سرزمین‌های اسلامی شد.

بعد از تحولات موسوم به بیداری اسلامی و تحولات سوریه، کریدور ارتباطی محور مقاومت در مجاورت مرزهای سرزمین‌های اشغالی، بیش از گذشته، مستحکم شد. پیروزی محور مقاومت در سوریه، علاوه بر اینکه بشار اسد را در حکومت ابقا کرد، سبب شد حزب‌الله لبنان نیز بیش از گذشته در جنوب لبنان و مجاور مرزهای رژیم صهیونیستی قدرتمند شود. به عبارت دیگر، بعد از پیروزی محور مقاومت بر داعش، سوریه و در رأس آن بشار اسد که همواره به دلیل اشغال بلندی‌های جولان از سوی صهیونیست‌ها با این کشور تعارض دارد، همچنان در رأس قدرت ماند. اما موضوع مهم‌تر برای رژیم صهیونیستی، مستحکم شدن حضور ایران در سوریه است. علاوه بر این، حزب‌الله لبنان نیز که نقش مهمی در پیروزی بر داعش بر عهده داشت، با کسب تجارب مهمی از میدان جنگ، بیش از گذشته، قدرتمند و مستحکم در شمال رژیم صهیونیستی ابقا شد. به این مصائب رژیم صهیونیستی باید جبهه حماس را نیز درون سرزمین‌های اشغالی اضافه نمود.

به طور کلی از نظر صهیونیست‌ها، تهدید ایران، آخرین و بیگانه تهدید برای موجودیت آینده رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. ایران سبب طرح تهدید واقعی برای این کشور در همه زمینه‌های امنیتی شده است. برنامه هسته‌ای ایران و گسترش نفوذ آن در غرب آسیا و محور شیعه که از جنوب به خلیج فارس و تایمن و حتی باب‌المندب و از شمال تا بند لاذقیه در سوریه می‌رسد، تهدیدی جدی برای آن‌ها محسوب می‌شود. علاوه بر این، ایران آرمان خود و گروه‌های نیابتی قدرتمند خود را نابودی رژیم صهیونیستی می‌داند. پس، تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از ژئوکالچر شیعه، بیش از همه زمان‌ها، رژیم صهیونیستی را محاصره و محاط در تهدید کرده است. اهمیت این موضوع در سلسله‌مراتب تهدیدات رژیم صهیونیستی از سند راهبردی این کشور مشخص است. در این سند که در سال ۲۰۱۶ انتشار یافت، جمهوری اسلامی ایران و حضور آن در سوریه و نیز حزب‌الله اولین و مهم‌ترین تهدید معرفی شده‌اند که بر لزوم مقابله با آن‌ها و بازدارندگی در مقابل آن‌ها تأکید اساسی شده است.

## شبکه‌ای از ائتلاف‌های منطقه‌ای؛ تلاش برای موازنه تهدید منطقه‌ای در برابر ایران

تحولات موسوم به بیداری اسلامی در عین حال که برای رژیم صهیونیستی، به سبب قدرتمند شدن محور مقاومت تهدیدزا بود، سبب طرح فرصت نیز شد. قدرتمند شدن ایران دستمایه‌ای برای سیاست‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی شد. این کشور با بزرگ‌نمایی تهدید ناشی از ایران برای پادشاهی‌های محافظه‌کار عربی، در حال هموار کردن راه خود برای ورود به بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای است.



رژیم صهیونیستی از فردای پیروزی ایران بر محور تروریسم تکفیری و ابقای بشار اسد در سوریه، جنگ روانی شدیدی را در سطح منطقه با مضمون تهدید ناشی از ایران به راه انداخت. به عبارت دقیق‌تر، ایران‌هراسی در گفتمان رژیم صهیونیستی، رشد و تأثیری روزافزون داشته و گاه به یکی از ابزارهای اساسی آن در راستای نیل به اهداف خود در منطقه بدل گشته است. اما همان‌طور که ذکر شد، این روند، ارتباط معناداری با گسترش قدرت منطقه‌ای ایران در یک دهه گذشته دارد. درست به همان میزان که قدرت محور مقاومت به‌رهبری ایران افزایش پیدا کرده است، در آن سوی محور، استفاده‌ی ابزاری از ایران‌هراسی از سوی رژیم صهیونیستی نیز افزایش یافته است.

در چند سال اخیر، شمار فزاینده‌ی تماس‌های پنهانی صهیونیست‌ها با کشورهای عربی و مسلمان منطقه و جهان را شاهد بوده‌ایم؛ اما موضوع جالب‌توجه این است که تا پیش از این، رژیم صهیونیستی با هیچ‌یک از کشورهای عربی روابط دیپلماتیک در هیچ سطحی نداشته است. اینکه در شرایط حاضر روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بر محور عربی-عبری در حال شکل‌گیری و مستحکم‌شدن در قالب روابط استراتژیک است، تأثیر تهدید ایران و ایران‌هراسی ناشی از آن است.

یکی از کسانی که آگاهانه می‌کوشد از این شرایط، در بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای، حداکثر استفاده را به نفع رژیم صهیونیستی ببرد، کسی نیست جز بنیامین نتانیاهو. نتانیاهو تلاش می‌کند با استفاده‌ی ابزاری از این شرایط، به‌طور فعالانه، از وضعیت موجود برای تقویت موقعیت رژیم صهیونیستی، به‌عنوان پایگاه و خط‌دفاعی منطقه‌ای و آهن‌ربایی برای جذب همه‌آنها، که از ایران می‌ترسند، استفاده کند. نتانیاهو از همان ابتدا با آگاهی از شرایط ناشی از محاصره رژیم صهیونیستی توسط محور مقاومت، فعالانه و با استفاده از ایران‌هراسی، در راستای خروج رژیم صهیونیستی از انزوای محاصره منطقه‌ای قدم برداشت. نقطه تمرکز نیز بر محور دوستی و نزدیکی با پادشاهی‌های سنی و محافظه‌کار عرب بود که همواره از ایران و امواج انقلابی آن‌ها ترس داشته‌اند.

با این اوصاف، ایران‌هراسی یکی از دارایی بسیار مهم استراتژیک رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود و دو هدف بسیار مهم را دنبال می‌کند. این اهداف استراتژیک در نگاهی کلی عبارت‌اند از:

۱. تلاش برای انزوای حداکثری ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا؛

۲. تشکیل ائتلافی گسترده و فراگیر در سطح منطقه با حضور و همراهی کشورهای عربی.

موضوع مهم و استراتژیک برای رژیم صهیونیستی تشکیل شبکه‌ای از ائتلاف‌های منطقه‌ای با کشورهای عربی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و حصار ناشی از محور مقاومت به‌رهبری آن در مجاورت مرزهای سرزمین‌های اشغالی است. آن‌ها می‌کوشند در آینده‌ای نزدیک و در کوتاه‌مدت، با برقراری روابط استراتژیک با کشورهای عربی با کمک امریکا، جمهوری اسلامی ایران را در بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای تحت فشار قرار دهند. در سند راهبردی جدید آن‌ها در سال ۲۰۱۶، بر این مهم، تأکید اساسی شده است. در این سند بر همکاری رژیم صهیونیستی با کشورهای غرب آسیا برای خروج از انزوای تأکید بسیاری شده است. این استراتژی مسبوق به سابقه است. بن‌گورین نخستین کسی بود که با طرح دکترین پیرامونی و با



نزدیکی به ایران و ترکیه و اتیوپی در سال‌های اولیه حیات رژیم صهیونیستی، خواهان شکل‌گیری گروه کشورهای متحد در برابر اعراب بود. حال بعد از گذشت چندین دهه، این استراتژی بار دیگر در دستورکار رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. اما در حال حاضر برای موازنه بازدارندگی با جمهوری اسلامی ایران، برقراری روابط استراتژیک با کشورهای عربی مدنظر است و رژیم صهیونیستی، فعالانه، ایجاد روابط دوستی با کشورهای عربی را در دستورکار قرار داده است.

برای رژیم صهیونیستی، نخستین کشور هدف برای برقراری رابطه، امارات متحده عربی و کشور بعدی بحرین بود. در مراسمی که در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید و در حضور ترامپ برگزار شد، توافق تاریخی میان رژیم صهیونیستی و این دو کشور عربی رسمی شد. دیگر کشوری که در منتها علیه جهان عرب قرار دارد و در صف برقراری روابط با رژیم صهیونیستی است، پادشاهی عمان است. این کشور تحت فشار امریکا و امارات و بحرین برای برقراری روابط با صهیونیست‌ها قرار دارد. در این باره، روزنامه صهیونیستی هیوم، به نقل از مقامات ارشد عربی مدعی شده است عمان به زودی رژیم صهیونیستی را به رسمت شناخته و با آن توافق خواهد کرد؛ اما عربستان سعودی مهم‌ترین کشور عربی است که در تدارک عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی است. بدون شک، اینکه امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی توافق کرده‌اند، بدون چراغ سبز ریاض نبوده است. اینکه چرا تا به الان عربستان سعودی عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی را رسمی نکرده است، به شرایط داخلی این کشور برمی‌گردد. حکام عربستان سعودی به دنبال حرکت گام به گام و آهسته برای جلب رضایت عمومی با اقدام خود هستند. به نقل از روزنامه آرتص، گفته‌ها حکایت از این موضوع دارند که در دیدار اخیر بن سلمان و نتانیاهو در حضور مایک پمپئو در شهر نئوم، شاهزاده سعودی در پاسخ به درخواست وزیر خارجه امریکا برای رسمی کردن روابط دو جانبه رژیم صهیونیستی و عربستان، از شرایط داخلی این کشور برای اعلام این موضوع ابراز نگرانی کرده و خواستار اعطای زمان بیشتری برای اعلان رسمی این موضوع شده است. در انتها، قطر، کویت، سودان و جیبوتی را نیز باید به صف کشورهای عربی متحد رژیم صهیونیستی در آینده‌ای نزدیک اضافه کرد. این مهم به دلیل تبعیت کشورهای نام‌برده از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان سعودی است. گرچه روابط قطر و عربستان در چند سال گذشته بر محور تعارض قرار دارد، دیر یا زود، قطر نیز به صف کشورهای عربی خواهد پیوست.

اما تلاش‌های رژیم صهیونیستی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا صرفاً محدود به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیست. این کشور در غرب جمهوری اسلامی ایران، یعنی در کردستان عراق نیز در چند سال اخیر تلاش‌های خود را برای مستحکم کردن پایه‌های حضور خود در این منطقه آغاز کرده است. در غرب آسیا، رژیم صهیونیستی یگانه حامی تشکیل دولت مستقل کردی است و در چهارچوب دکترین امنیتی خود می‌کوشد با حمایت از استقلال کردستان، بستر لازم را برای نفوذ خود در این منطقه فراهم کند. بر کسی پوشیده نیست که مهم‌ترین هدف صهیونیست‌ها از نفوذ در کردستان عراق، نزدیکی به مرزهای مهم‌ترین دشمن خود، یعنی جمهوری اسلامی ایران است. آن‌ها از این اقدام خود سه هدف استراتژیک را دنبال می‌کنند:

۱. ایجاد بحران‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران با حمایت از جنبش‌های استقلال طلبانه گُرد؛

۲. گسترش عمق استراتژیک خود؛



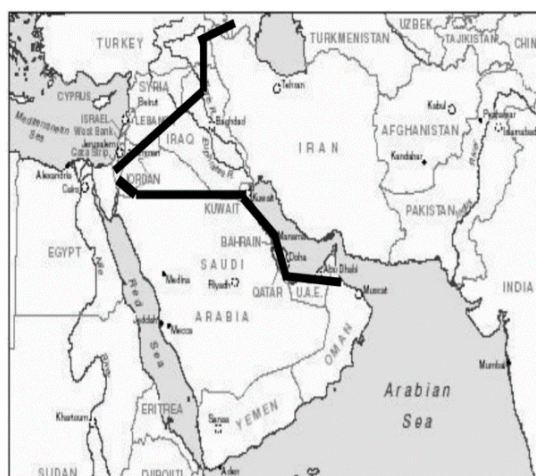
### ۳. زمینه‌سازی برای ایجاد پایگاه عملیاتی برای موساد علیه ایران.

در مجاورت مرزهای شمالی ایران نیز در جمهوری آذربایجان در چند سال گذشته، رژیم صهیونیستی حضور پررنگی داشته است. آذربایجان یکی از مشتری‌های ثابت تسلیحات صهیونیستی محسوب می‌شود. به نقل از انستیتو تحقیقات صلح استکهلم، ۶۰ درصد از تسلیحات و تجهیزات وارداتی آذربایجان به رژیم صهیونیستی تعلق دارد. حضور پررنگ پهپادهای رژیم صهیونیستی در برتری نیروهای آذری بر ارمنی در طول نبرد اخیر قره‌باغ نقش مهمی داشت. اما آنچه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد، تهدیدات ناشی از حضور رژیم صهیونیستی در مجاورت مرزهای شمالی کشور است. بیشترین تهدید مربوط به سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی است که در نزدیکی پایتخت ایران دارای مکانی مناسب برای فعالیت‌ها و عملیات‌های خود است. صهیونیست‌ها به دلیل داشتن نگرانی جدی از برنامه اتمی ایران هرگونه تلاشی را برای مقابله با آن مجاز می‌شمارند. گرچه این کشور به دلیل ترس از پاسخ احتمالی ایران تاکنون برنامه نابودی تأسیسات اتمی ایران را عملیاتی نکرده است، بر کسی پوشیده نیست که در صورت افزایش تنش هسته‌ای و حرکت ایران به سمت غنی‌سازی با غنای بیشتر، این کشور ریسک حمله به تأسیسات ایران را متقبل می‌شود. دلیل پذیرش این ریسک هم این است که رژیم صهیونیستی از هیچ تلاشی برای نابودی تهدیدات محیط پیرامونی خود کوتاهی نخواهد کرد. پیرو همین موضوع به نظر می‌رسد با توجه به بُعد مسافت رژیم صهیونیستی با ایران، این کشور در نظر دارد در صورت عملیاتی شدن حمله به تأسیسات اتمی ایران، از فرودگاه‌های جمهوری آذربایجان استفاده کند. بعد از سفر تانیاها در سال ۲۰۱۶ به باکو گزارش‌هایی رسید مبنی بر اینکه دو کشور توافق کرده‌اند در صورت درگیری ایران با رژیم صهیونیستی، صهیونیست‌ها از فرودگاه‌های آذربایجان استفاده کنند. این اقدام با توجه به رابطه نزدیک دو کشور موضوعی غیر محتمل نیست؛ چنان‌که الهام علی‌اف در این باره گفته است رابطه کشورش با رژیم صهیونیستی همانند کوه یخی است که ۹۰ درصد آن زیر آب و فقط ۱۰ درصد آن مشخص است.

به‌طور کلی، رژیم صهیونیستی در تلاش است با شکل‌دهی به شبکه‌ای از ائتلاف‌های منطقه‌ای، ضمن تلاش برای خروج از تنگنای امنیتی ناشی از حضور محور مقاومت در مجاورت مرزهای خود، موازنه قدرت منطقه‌ای را نیز به‌ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد.

شکل ۱. نقشه راه شبکه ائتلافی رژیم صهیونیستی در آینده نظم منطقه‌ای غرب آسیا





## تحلیل آثار و پیامدهای امنیتی شبکه‌سازی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران

همگان به یاد دارند که بعد از توافق تاریخی کمپ دیوید، ۱۰ مصر تا چندین سال، علاوه بر فشار سیاسی کشورهای اسلامی، تحت انزوای شدید منطقه‌ای قرار گرفت. اینکه در شرایط حاضر چه شده است که کشورهای نام‌برده عربی در صف برقراری روابط دوستی با صهیونیست‌ها به دنبال سبقت از یکدیگرند، از موضوعی مهم حکایت دارد و آن، موفقیت رژیم صهیونیستی در پروژه ایران‌هراسی است. اما این روند امنیتی جدید که رژیم صهیونیستی مجری آن در آینده‌ای نزدیک در منطقه است، چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ برای پاسخ به این پرسش در ادامه به دنبال تبیین آثار و پیامدهای این موضوع در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی خواهیم بود.

### اقتصادی

در چهار سال گذشته، امریکا در چهارچوب کارزار فشار حداکثری، فشار بی‌سابقه و طاقت‌فرسایی را علیه سیستم اقتصادی ایران اعمال کرده است. گرچه ترامپ به نتیجه دل‌خواه نرسید و در ادامه در انتخابات نیز قافیه را به جو بایدن دمکرات باخت، بر کسی پوشیده نیست که از یک سو فرایند لغو تحریم‌های امریکا موضوعی پیچیده و زمان‌بر است و از سوی دیگر باروی کارآمدن بایدن به دلیل اینکه اکثریت سنا با جمهوری خواهان است، هرگونه تلاش احتمالی برای گشایش مالی و اقتصادی به نفع ایران با چالش و محدودیت از سوی آنان روبه‌رو خواهد شد. صهیونیست‌ها با آگاهی از چنین شرایطی از یک سو به دنبال این‌اند که با تنش آفرینی در روابط ایران و امریکا، امکان مذاکره مجدد را از بین برده و در نتیجه، فشار ناشی از تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را حفظ کنند. رژیم صهیونیستی با حضور فعال در بخش‌های تجاری و مالی کشورهای عربی همچون امارات، به دنبال شناسایی روزنه‌ها و کانال‌های مالی ایران برای دورزدن تحریم‌ها و ارائه آن‌ها به ترامپ برای وضع تحریم‌های جدید در دو ماه آینده است. برای مثال، در بجهت برقراری



روابط رژیم صهیونیستی و بحرین، این کشور به بهانه طرح مخفیانه ایران برای دورزدن تحریم‌ها توسط فیوچر بانک ایران در بحرین، دارایی‌های این بانک را مصادره و از ادامه فعالیت آن جلوگیری کرد.

در کنار این موضوع، رژیم صهیونیستی تلاش خواهد کرد با سرازیر کردن تسلیحات خود به بازار کشورهای عربی، علاوه بر کسب سود مالی لازم، اهرم مهم دیگری را نیز برای ایجاد توازن قدرت علیه ایران در اختیار بگیرد. برای مثال، امارات و عربستان دو تا از معاندان مهم منطقه‌ای ایران هستند که مسلح شدن آنان به تسلیحات با کیفیت رژیم صهیونیستی به ضرر ایران خواهد بود.

مجموع این اقدامات از نظر صهیونیست‌ها از آنجا اهمیت دارد که شرایط ناشی از سایه سنگین تحریم‌ها و نابه‌سامانی اقتصادی متعاقب آن با ایجاد چالش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران و همچنین محدودیت‌های مالی برای این کشور باعث خواهد شد توانایی ایران برای نقش‌آفرینی در سطح نظم منطقه‌ای در غرب آسیا کاهش پیدا کند. از نظر صهیونیست‌ها، این روند در ایجاد موازنه با زدارندگی در مقابل ایران نقش مهمی خواهد داشت.

## امنیتی

توانایی تکنولوژیک، نظامی، سایبری و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی واقعیتی تلخ و در عین حال نگران‌کننده است که باید به آن اذعان کرد. با عادی‌سازی روابط محور عربی-عبری باید این واقعیت محتمل در آینده نزدیک را در نظر بگیریم که از این پس، توانایی‌های نام‌برده رژیم صهیونیستی برای اعمال خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران در مجاورت مرزهای ایران قرار خواهد گرفت. نیروهای اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از این پس می‌توانند در نقطه‌ای نزدیک‌تر به مرزهای ایران، یعنی در امارات، بحرین و سایر کشورهای عربی هم‌مرز با ایران، حضور داشته باشند. این موضوع برای صهیونیست‌ها به دلیل اهمیت استراتژیک آن برای ایجاد موازنه تهدید در برابر ایران از اهمیت زیادی برخوردار است.

بنیامین نتانیاهو پس از رسمی شدن توافق امارات و رژیم صهیونیستی در بیانیه‌ای رسمی از یوسی کوهن، رئیس کنونی موساد، به سبب نقشش در پیشبرد توافق تشکر کرد. موضوع جالب توجه این است که سرپرستی هیئت رژیم صهیونیستی اعزامی به امارات نیز بر عهده یوسی کوهن بود. همچنین به نقل از روزنامه نیویورک تایمز، کوهن در یک سال اخیر سفرهای متعددی به کشورهای عربی از جمله قطر، امارات، بحرین و عربستان کرده است. کوهن حتی در جریان دیدار محرمانه و غیررسمی سه جانبه بن سلمان، نتانیاهو و پمپئو نیز حضور داشته است. به طور کلی، حضور پررنگ سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و عناصر آن در روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، از سناریوی شوم حکایت می‌کند که آن نیز تلاش موساد برای استقرار یافتن در مجاورت مرزهای ایران است. خبرگزاری آنا تولی ترکیه در این باره از تلاش امارات و رژیم صهیونیستی برای تأسیس پایگاه جاسوسی در جزیره سقطری، واقع در یمن، بر علیه ایران خبر داد. این نگرانی مهم زمانی ملموس‌تر و عینی‌تر خواهد شد که اقدامات خصمانه گذشته رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای کشور و اقدامات اخیر این کشور مانند خراب‌کاری در نطنز، آتش‌سوزی در پارچین و اخیراً ترور شهید فخری‌زاده را در ذهن تداعی کنیم. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک و در صورت ادامه تشنه‌ای ایران و امریکا افزایش توان غنی‌سازی ایران،





این اقدامات رژیم صهیونیستی به دلیل تأثیراتش در تسهیل شرایط حضور رژیم صهیونیستی در مجاورت مرزهای ایران، بیش از گذشته، تکرار شود.

## سیاسی

رژیم صهیونیستی می‌کوشد با ایجاد رخنه در محور هم‌گرایی کشورهای اسلامی حول موضوع آرمان فلسطین، این مهم را به مسئله‌ای حاشیه‌ای و صرفاً ایرانی تبدیل کند. به عبارت دقیق‌تر، برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، از یک طرف به معنای دور شدن آن‌ها از آرمان فلسطین و از سوی دیگر انزوای ایران در غرب آسیاست. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در تداوم سیاست ضدصهیونیسم خود، بیش از پیش، تنها و منزوی خواهد شد. همچنین، متعاقب این موضوع، رژیم صهیونیستی تلاش خواهد کرد این رادر جامعه جهانی به کرسی بنشاند که ایران مهم‌ترین مانع بر سر صلح عربی-عبری است.

## جمع‌بندی

جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین تهدید علیه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و این مهم همواره در مهم‌ترین اسناد راهبردی و دکترین‌های نظامی این رژیم انعکاس یافته است. در طول چهار دهه گذشته، متعاقب معمای امنیتی ناشی از وجود جمهوری اسلامی ایران برای رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین هدف این کشور در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهم‌ترین هم‌اورد منطقه‌ای، حفظ توازن بازدارندگی بوده است. این کشور همواره تلاش کرده است برای برقراری توازن بازدارندگی با جمهوری اسلامی ایران، با رویکردی تهاجمی، مسیر خود را برای ورود به بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای هموار کند. به نظر می‌رسد این اقدام از طریق شکل‌گیری محور عربی-عبری در حال فعلیت یافتن است. بر مبنای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی در نظر دارد شبکه‌ای از ائتلاف‌های منطقه‌ای رادر راستای برقراری توازن بازدارندگی با جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. ابزار رژیم صهیونیستی برای تحقق این هدف نیز عادی‌سازی روابط خود با اعراب و وارد کردن آنان به شبکه منطقه‌ای خود علیه ایران است. ایران‌هراسی و ترس کشورهای عربی از ایران، سنگ‌بنای معماری جدید رژیم صهیونیستی برای نظم منطقه‌ای غرب آسیا در چند سال آینده است.



## منابع

- ذاکریان، مهدی و دیگران (۱۳۹۹)، تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات مطالعات بین‌المللی، سال شانزدهم، شماره چهارم.
- اخوان کاظمی و دیگران (۱۳۹۶)، تحلیل رابطه رژیم صهیونیستی و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، سال هشتم، شماره چهارم.
- سند ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ راهبردی رژیم صهیونیستی.
- سهرابی، محمد و جنتی، احسان (۱۳۹۴)، اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی در فضای نوین منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل.
- رستمی‌راد، هادی (۱۳۹۳)، استراتژی امنیتی بگین و سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نسبت به کشورهای پیرامون، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال یازدهم، شماره سی و نه.



شکل‌گیری محور عربی-عبری؛ پیامد محتمل ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

---



شکل‌گیری محور عربی-عبری؛ پیامد محتمل ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا

---